



کتابخانه
میرزا کاظم

پرفروش ترین
کتاب های
امشب
نهار

فرمول
بیست

فرمول
بیست

عربی انسانی ۲

پایه یازدهم

مؤلف

خدیجه علیپور

فرمول
بیست

فهرست

درس سوم	عجائب المخلوقات	درس اول	مواظب قیمة
واژگان	واژگان	واژگان	واژگان
بسته ۱: معنی واژگان	۶۰	بسته ۱: معنی واژگان	۶
بسته ۲: کلمات مترادف	۶۵	بسته ۲: کلمات مترادف	۱۱
بسته ۳: کلمات متضاد	۶۵	بسته ۳: کلمات متضاد	۱۲
بسته ۴: جمع مکسر	۶۷	بسته ۴: جمع مکسر	۱۳
بسته ۵: انواع اسم	۶۸	بسته ۵: انواع اسم	۱۴
ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم
بسته ۱: متن درس	۶۹	بسته ۱: متن درس	۱۶
بسته ۲: «إِعلموا» و «جِوا»	۷۴	بسته ۲: «إِعلموا» و «جِوا»	۱۹
بسته ۳: تمرین	۷۷	بسته ۳: تمرین	۲۴
قواعد	قواعد	قواعد	قواعد
بسته ۱: أسلوب الشرط و أدواته	۸۱	بسته ۱: إسم التفضیل و إسم امکان	۳۰
		بسته ۲: اعداد	۳۲
درس چهارم	تأثیر اللغة الفارسیة ...	درس دوم	صناعة التلمیع فی ...
واژگان	واژگان	واژگان	واژگان
بسته ۱: معنی واژگان	۸۶	بسته ۱: معنی واژگان	۳۶
بسته ۲: کلمات مترادف	۹۱	بسته ۲: کلمات مترادف	۴۱
بسته ۳: کلمات متضاد	۹۲	بسته ۳: کلمات متضاد	۴۲
بسته ۴: جمع مکسر	۹۳	بسته ۴: جمع مکسر	۴۳
بسته ۵: انواع اسم	۹۴	بسته ۵: انواع اسم	۴۴
ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم
بسته ۱: متن درس	۹۵	بسته ۱: متن درس	۴۶
بسته ۲: إعلموا	۱۰۰	بسته ۲: إعلموا	۵۱
بسته ۳: تمرین	۱۰۲	بسته ۳: تمرین	۵۲
قواعد	قواعد	قواعد	قواعد
بسته ۱: المعرفة و النکرة	۱۰۷	بسته ۱: إسم الفاعل و إسم المفعول و ...	۵۶
بسته ۲: ترجمة الفعل المضارع (۱)	۱۰۹		

فهرست

درس هفتم لا تَقْنَطُوا

واژگان

۱۵۸	بسته ۱: معنی واژگان
۱۶۲	بسته ۲: کلمات مترادف
۱۶۳	بسته ۳: کلمات متضاد
۱۶۴	بسته ۴: جمع مکسر
۱۶۵	بسته ۵: انواع اسم

ترجمه و درک و فهم

۱۶۷	بسته ۱: متن درس
۱۷۰	بسته ۲: «إِعلموا» و «جواب»
۱۷۳	بسته ۳: تمرین

قواعد

۱۷۸	بسته ۱: مَعَانِي الْأَفْعَالِ الْقَاصَّةِ
-----	---

درس پنجم اَلصَّدَق

واژگان

۱۱۲	بسته ۱: معنی واژگان
۱۱۷	بسته ۲: کلمات مترادف
۱۱۷	بسته ۳: کلمات متضاد
۱۱۸	بسته ۴: جمع مکسر
۱۱۹	بسته ۵: انواع اسم

ترجمه و درک و فهم

۱۲۰	بسته ۱: متن درس
۱۲۴	بسته ۲: «إِعلموا» و «جواب»
۱۲۷	بسته ۳: تمرین

قواعد

۱۳۱	بسته ۱: الْجُمْلَةُ بَعْدَ التَّنْكِيرِ
-----	---

پاسخ نامه تشریحی

درس اول تا هفتم

نمونه سؤال امتحانی

۲۲۴	آزمون ۱: نوبت دوم
۲۲۶	آزمون ۲: نوبت دوم
۲۲۹	آزمون ۳: نوبت دوم
۲۳۱	آزمون ۴: خرداد ماه ۱۴۰۳
۲۳۴	آزمون ۵: شبه نهایی ۱۴۰۴ (نوبت صبح)
۲۳۶	آزمون ۶: شبه نهایی ۱۴۰۴ (نوبت عصر)
۲۳۹	آزمون ۷: خرداد ماه ۱۴۰۴
۲۴۲	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۷

درس ششم اِرْحَمُوا ثَلَاثًا

واژگان

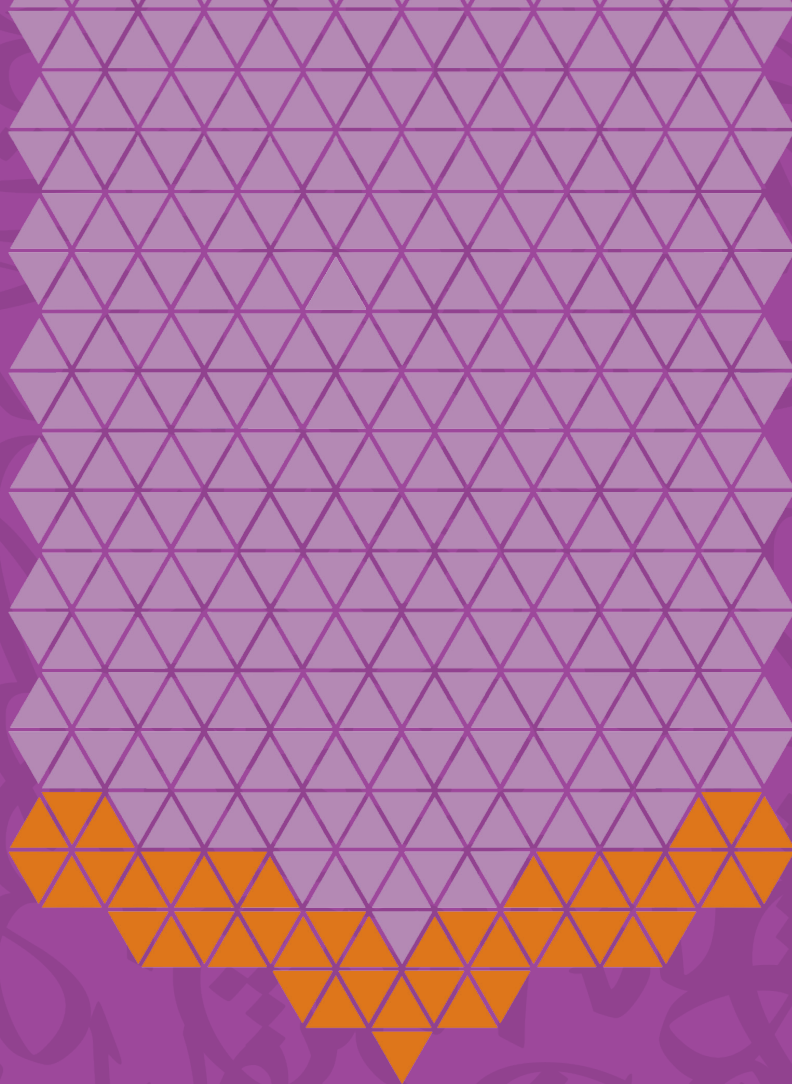
۱۳۴	بسته ۱: معنی واژگان
۱۳۸	بسته ۲: کلمات مترادف
۱۳۹	بسته ۳: کلمات متضاد
۱۴۰	بسته ۴: جمع مکسر
۱۴۱	بسته ۵: انواع اسم

ترجمه و درک و فهم

۱۴۲	بسته ۱: متن درس
۱۴۶	بسته ۲: إِعلموا
۱۴۹	بسته ۳: تمرین

قواعد

۱۵۵	بسته ۱: تَرْجُمَةُ الْفُعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)
-----	---



الْمَنْعِيُّ الْوَلَدُ

مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ

قسمت واژگان

بسته ۱ معنی واژگان

شب	لَيْلَة	گفته شد که ...	قِيلَ أَنْ	صدایت را پایین بیاور	أَغْضَضُ مِنْ صَوْتِكَ
سوار شدن	رُكِبَ	نعمت داد	مَنْ		(ماضی: غَضَّ / مضارع: يُغَضُّ)
زشت	السَّيِّئِ	بخشید	وَهَبَ	میانه روی کن	اِقْتَصِدْ
صورت	وَجْه		(مضارع: يَهَبُ)		(ماضی: قَصَدَ / مضارع: يَقْصِدُ)
جدا و سواکن	مَيَّزَ	موعظه می کند	يَعْظُ	برپای دار	أَقِمَّ
خواست	أَرَادَ		(ماضی: وَعَظَ)		(ماضی: أَقَامَ / مضارع: يَقِيمُ)
دشنام داد	سَبَّ	فخر فروش	فَخُور		(أَقِمِ الصَّلَاةَ: نماز را برپای دار،)
	(مضارع: يَسُبُّ)	ارزشمند	قِيمَ	زشت تر، زشت ترین	أَنْكَرَ
دشنام	سَبَّ	بی گمان (حرف تأکید)	لَ	بازدار	إِنَّه
آرام باش	مَهْلًا	با تکبر رویت را	لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ		(ماضی: نَهَى / مضارع: يَنْهَى)
رها کن، ترک کن	دَعْ	برنگردان	(مضارع: يُصَعِّرُ)	دستور بده	أَوْمُرْ
دشنامگو	شَاتِمَ	راه نرو	لَا تَمْشِ		(وَأَوْمُرٌ = وَأَمْرٌ)
خوار شده	مُهَانًا	خودپسند	(ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشِي)	خرها	حَمِيرَ
بردباری	حَلَمَ	شادمانه و با ناز و	مُخْتَالٌ	گونه	(مفرد: حِمَار)
خاموشی	صَمْتُ	خودپسندی	مَرَحًا	سفارش کرد	أَوْصَى
چه بسا	رُبَّ	راه رفتن	مَشْيِي، مَشِيَّة	به او	(مضارع: يَوْصِي)
شیواتر، رساتر	أَنْبَلَغَ	کار زشت و ناپسند	مُنْكَرٌ	فخر فروشی	إِيَاءَ
برپا کرد	أَقَامَ	اندرزها، نصیحت ها	مَوَاعِظُ	دوری کردن	تَبَخَّرُ
	(مضارع: يُقِيمُ)	سودمند	نَافِعَة	اشاره می کند	تَجَنَّبَ
نمونه ها	نَمَازَجَ	پسرکم	بُئِي	«أشاز: اشاره کرد»	تُشِيرُ
روباه ها	تَعَالِبَ	بالا برد	رَفَعَ	به شمار می آید	تُعَدُّ
گرگ ها	ذُنَابَ	بدون کوه	(مضارع: يَرْفَعُ)	چوپان	رَاعِي
شلوار	سِرْوَالَ	ایمان آوردیم	دُونَ جَبَلٍ	[حالت] سیری	شَبَعَ
پرستار	مُمَرَّضَة	بیمارز	أَمَّنَّا	معاصر بود	عَاصِرَ
		رحم کن	إِغْفِرْ	معروف بود به ...	(مضارع: يُعَاصِرُ)
			إِزْحَمَ		عَرِفَ بِـ

فروشنده	بائعه	الأراذل	فرومایگان	مَطْبَعَة	چاپخانه
کشاورز	فَلَاخَة	الأفاضل	شایستگان	جَادِل	بحث کن
شایسته‌تر، شایسته‌ترین	أَصْلَح	مَلَك	فرمانروایی کرد	(ماضی: جَادَلَ / مضارع: يُجَادِلُ / مصدر: مُجَادَلَة)	
گونه	خَد	هَلَك	نابود کرد	أَعْلَم	آگاه‌تر، آگاه‌ترین
دندان	بِسن	سُئِلَ	پرسیده شد	ضَلَّ	گمراه شد
زبان	لِسان	أَجْمَلَ	زیباتر، زیباترین	(مضارع: يَضِلُّ / مصدر: ضَلَّالَة)	
خشنود کرد	أَرْضَى	خَيْرَ	بهتر، بهترین	أَنْبَقَى	ماندگارتر، ماندگارترین
خشنود کنی	ثَرَضَ	شَرَّ	بدتر، بدترین	جَوَّار	گفت‌وگو
(مضارع: ثَرَضَ: خشنود می‌کنی)		أَنْفَع	سودمندتر، سودمندترین	سَوَّقَ	بازار
خشمگین کرد	أَسَخَطَ	الرَّجُلَ	انسان، مرد	بَاعَ	فروشنده
(تُسَخِطُ: خشمگین می‌کنی) (لَا أَسَخَطَ: خشمگین نکرد)		السَّكِينَة	آرامش	الْمَلَابِسَ	لباس‌ها
کیفر داد، مجازات کرد	عَاقَبَ	حَيَّ	بشتاب	مَرَحَبًا بِكَ	خوش آمدی
(مضارع: تُعَاقِبُ: کیفر می‌دهی، مجازات می‌کنی) (عَوِقَبَ: کیفر شد) (لَا عَوِقَبَ: کیفر نشد)		أَوْسَطَ	میانه‌ترین	بِسْعَرٍ	قیمت
زیبا	الْجَمِيلَ	مَعَ	با، همراه	الْقَمِيصَ	پیراهن
بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	أَكْبَرُ	أَفْضَلَ	بهتر، بهترین	أَرِيدَ	می‌خواهم
بلندتر، بلندترین	أَعْلَى	إِخْوَانَ	برادران	أَرَحَصَ	ارزان‌تر، ارزان‌ترین
عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد	عَابَ	أَهْدَى	هدیه کرد	غَالِيَةً	گران
(مضارع: يَعِيبُ: أَنْ تَعِيبَ: عیبی بگیری)		(مضارع: يُهْدِي / مصدر: إِهْدَاء)		تَفْضُلِي	بفرما
خوب	حَسَنَ	هَزَارَ	هزار	أَيُّ	کدام
خوب‌تر، خوب‌ترین	أَحْسَنَ	أَلْفَ	ماه	لَوْنٍ	رنگ
گران‌تر، گران‌ترین	أَعْلَى	شَهْرَ	چارپایان	عِنْدَكُمْ	دارید
محبوب‌تر، محبوب‌ترین	أَحَبَّ	الْبَهَائِمَ	دورو	أَبْيَضَ	سفید
کم‌تر، کم‌ترین	أَقَلَّ	ذَوَالْوَجْهَيْنِ	مَلْعَبَ	أَسْوَدَ	سیاه
بزرگ‌تر	الْكُبْرَى	مَنْزِلَ	مَطْعَمَ	أَزْرَقَ	آبی
کوچک‌تر	الصُّغْرَى	مَوْقِفَ	مَطْبَخَ	أَخْمَرَ	قرمز
		مَنْزِلَ	مَوْقِفَ	أَضْفَرَ	زرد
		مَنْزِلَ	مَوْقِفَ	بَنَفْسَجِي	بنفش
		مَنْزِلَ	مَوْقِفَ	الْفَسَاتِينِ	پیراهن‌های زنانه
		مَنْزِلَ	مَوْقِفَ	التَّوَعِيَاتِ	جنس‌ها
		مَنْزِلَ	مَوْقِفَ	نَوَعِيَةً	جنس
		مَنْزِلَ	مَوْقِفَ	سَرَاوِيلَ	شلوارها
		مَنْزِلَ	مَوْقِفَ	مَثَجَرٍ	مغازه

زَمِيلٌ	همکار	اِسْتَعْفَرَ	آمزش خواست	أَيَقُنْتُ	باور کردم
رَجَاءٌ	لطفاً	(مضارع: يَسْتَعْفِرُ / امر: اِسْتَعْفِرْ / مصدر: اِسْتِغْفَار)		مَوْضِعٌ	جایگاه
أَعْطِنِي، أَعْطِنِي	به من بده	سَافَرْتُ	سفر کردم	عَفُوٌ	گذشت
التَّخْفِيفُ	تخفیف	(مضارع: يُسَافِرُ / مصدر: مُسَافِرَةٌ)		أَشَدُّ	سخت‌تر، سخت‌ترین
دَفَعَ	پرداخت کرد	تَعَلَّمَ	یاد گرفت	مُعَاقِبِينَ	کیفردهندگان
(مضارع: يَدْفَعُ)		(مضارع: يَتَعَلَّمُ / امر: تَعَلَّمْ / مصدر: تَعَلَّمَ)		نِكَالٌ	کیفر
الدُّنُوبُ	گناهان	تَبَادُلٌ	عوض کرد	نِقْمَةٌ	انتقام
حَيًّا	زنده	(مضارع: يَتَبَادَلُ / امر: تَبَادَّلْ / مصدر: تَبَادَّلَ)		كِبْرِيَاءٌ	بزرگ‌منشی
ذَكَرَ	یاد کرد	عَلَّمَ	آمزش داد	أَذِنْتُ	اجازه دادی
(مضارع: يَذْكُرُ)		(مضارع: يُعَلِّمُ / امر: عَلِّمْ / مصدر: تَعْلِيمٌ)		مَسْأَلَةٌ	درخواست
سَاءَ	بد شد	أَنْزَلَ	فرو فرستاد	مِدْحَةٌ	ستایش
خُلِقَ	اخلاق	(مضارع: يُنْزِلُ / مصدر: أَنْزَالَ)		أَجِبَ	جواب بده
عَذَّبَ	عذاب داد	رَسُولٌ	فرستاده	أَقْلَ	کم کن
(مضارع: يُعَذِّبُ / مصدر: تَعَذِّبُ)		وُشِعَ	توانایی	عَثْرَةٌ	لغزش
حَسَنْتَ	نیکو گردانیدی	عِبَادٌ	بندگان	كُرْبَةٌ	اندوه
(مضارع: يُحَسِّنُ / مصدر: تَحْسِينٌ / نیکوگردان)		عَدَاوَةٌ	دشمنی	فَرْجَتٌ	گشودی
لَيْسَ	نیست	صَدَاقَةٌ	دوستی	هُمُومٌ	غم‌ها
أَثْقَلَ	سنگین‌تر، سنگین‌ترین	تَمَّمَ	کامل کرد	أَكْمَلَ	کامل‌تر، کامل‌ترین
المِيزَانُ	ترازو	عَمَرْنَا	عمر کردیم	أَزَكَى	پاکیزه‌تر، پاکیزه‌ترین
قَدْ أَحْسَنَ	نیکی کرده است	عَلَبْنَا	چیره شدیم	أَطْهَرَ	پاک‌تر، پاک‌ترین
(مضارع: يُحْسِنُ / امر: أَحْسِنْ / مصدر: إِحْسَانٌ)		مِفْتَاحٌ	کلید	أَشْنَى	بلندتر، بلندترین
إِقْتَرَبَ	نزدیک شد	مِصْبَاحٌ	چراغ	تَحَنَّنَتْ	مهر ورزیدی
(مضارع: يَقْتَرِبُ / مصدر: إِقْتِرَابٌ)		أَفْتَتَحُ	آغاز می‌کنم	سَلِّمَتْ	سلام دادی
إِنْكَسَرَ	شکسته شد	ثَنَاءٌ	سپاسگزاری	رُشِلَ	فرستادگان
(مضارع: يَنْكَسِرُ / مصدر: إِنْكَسَارٌ)		صَوَابٌ	درست	صِفْوَةٌ	برگزیدگان

الف ترجمه واژگان (تیپ ۱)

- ۱ «وَلَا تَمْشِي فِي الْأَرْضِ مَرَحًا» (داخل و خارج خرداد ۱۴۰۴، قم خرداد ۱۴۰۲) ۷ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
- ۲ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ. (تهران خرداد ۱۴۰۲) ۸ «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»
- ۳ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. (تهران خرداد ۱۴۰۲) ۹ وَأُمُرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَإِنِّهِ عَنِ الْمُنْكَرِ.
- ۴ «لَا تَصْعَرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ» ۱۰ أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.
- ۵ «إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتُ لَصُوتُ الْحَمِيرِ» ۱۱ إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.
- ۶ قَدَّمَ لِقَمَانِ الْحَكِيمِ لِإِنِّيهِ مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ. ۱۲ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ.

- ۱۳ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. ۱۸ يَخْتَلِفُ سِعْرُ تِلْكَ السَّرَاوِيلِ حَسَبَ التَّوَعِيَاتِ.
- ۱۴ خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ أَهْدَى إِلَيْنَا عُيُونَنَا. ۱۹ ذَلِكَ الْمُنْتَجِرُ لِمِيلِي وَهُوَ صَاحِبُ الْمَلْعَبِ أَيْضًا.
- ۱۵ «... إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» ۲۰ جَعَلْتُ فِي الْمِيزَانِ أَثْقَلَ شَيْءٍ مِنَ الْمَلَائِسِ.
- ۱۶ جَادِلْ إِخْوَانَكَ الْمُؤْمِنِينَ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. ۲۱ سَاءَ خُلُقُ صَدِيقِي عِنْدَمَا عَابَهُ الْآخَرُونَ.
- ۱۷ وَضَلْتُ إِلَى الْمَطْبَعَةِ بَعْدَ عَطَلَةِ الْمَصْنَعِ.

ب ترجمه واژگان (تیب ۲)

- ۲۲ ذَلِكَ الرَّجُلُ الشَّاتِمُ مُخْتَالٌ وَهُوَ مِنَ الْأَرَادِلِ.
- (۱) فحاشگر - خود را می - افراد پست ○ (۲) بانشاط - مغرور - ناشایست ○ (۳) دشنام گو - خودپسند - فرومایگان
- ۲۳ مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنَ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْجَلِيمِ وَلَا أَسْخَطَ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ.
- (۱) خشنود نمی شوم - شکبیا - خاموشی ○ (۲) خشنود نکرد - بردباری - سکوت ○ (۳) راضی نمی شود - صبور - توانمندی
- ۲۴ «لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»
- (۱) با تکبر برنگردان - صورت - شادمانه و با ناز و خودپسندی ○ (۲) غمگین نکن - چهره - با غرور و کبر ○ (۳) برنگرد - گونه - شادمانه و با غرور
- ۲۵ كَانَ الرَّجُلُ الْمُخْتَالُ قَدْ سَبَّ جَارَهُ بِأَنْكَرِ الْكَلِمَاتِ.
- (۱) خودپسند - دشنام داده بود - زشت ترین ○ (۲) مغرور - فحش داد - بدترین ○ (۳) خودشیفته - ترسانده بود - ناپسندترین
- ۲۶ سَبَّلَ صَاحِبُ الْمَطْبَعَةِ مَنْ بَاعَعَ الْكُتُبَ التَّارِيخِيَّةَ؟
- (۱) پرسیده شد - چاپخانه ○ (۲) سؤال کرد - کتابخانه ○ (۳) مسئول شد - انتشارات
- ۲۷ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! تَبْدَأُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا.
- (۱) قیمت ها - هفتاد و پنج هزار ○ (۲) جنس ها - پنجاه و هفت هزار ○ (۳) مبلغ ها - پانصد و هفت هزار
- ۲۸ أَرَادَ الْمُشْتَرِي تَخْفِيزَ السَّعْرِ فِي الْمُنْتَجَرِ.
- (۱) ارزان کردن - تجارت ○ (۲) تخفیف - مغازه ○ (۳) کم کردن - هتل
- ۲۹ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»
- (۱) بهتر - هزار - ماه ○ (۲) بهترین - هر - شبی ○ (۳) خوب است - ماه - هزاران
- ۳۰ اشْتَرَيْتُ مِنَ السُّوقِ الْكَبِيرِ فَسَاتِنَ بِاللُّونِ الْأَصْفَرِ.
- (۱) بازار - پیراهن های زنانه - زرد ○ (۲) دکان - شلوارهایی - آبی ○ (۳) فروشگاه - دامن هایی - سبز

ج تشخیص کلمه ناهم‌هنگ (از نظر معنا)

- ۳۱ (۱) أَكْثَرُ ○ (۲) أَصْفَرُ ○ (۳) أَبْيَضُ ○ (۴) أَخْضَرُ ○ (داخل و خارج خرداد ۱۴۰۴)
- ۳۲ (۱) التَّلْعَبُ ○ (۲) الْكَلْبُ ○ (۳) الْمَرْحُ ○ (۴) الْجِمَارُ ○ (۵) الدُّنْبُ ○ (تهران خرداد ۱۴۰۲)
- ۳۳ (۱) أَحَبُّ ○ (۲) أَبْيَضُ ○ (۳) أَقْلُ ○ (۴) أَعْلَى ○ (چهارمحال و بختیاری خرداد ۱۴۰۲)
- ۳۴ (۱) بَائِعَةٌ ○ (۲) فَلَاخَةٌ ○ (۳) قَيْمَةٌ ○ (۴) مُمَرِّضَةٌ ○
- ۳۵ (۱) أَثْقَلُ ○ (۲) أَسْمَعُ ○ (۳) أَحْسَنُ ○ (۴) أَشْهَرُ ○

۳۶	۱) أَصْفَر	۲) أَزْرَق	۳) أَكْثَر	۴) أَيْبَضَ	(خرداد ۱۴۰۲)
۳۷	۱) أَحْسَنَ	۲) أَجْمَلَ	۳) أَحْمَرَ	۴) أَصْلَحَ	(خرداد ۱۴۰۲)
۳۸	۱) أَكْرَمَ	۲) أَسْوَدَ	۳) أَيْبَضَ	۴) أَصْفَرَ	
۳۹	۱) مَضَنَعَ	۲) مَطْبَعَةَ	۳) مُعَلِّمَةً	۴) مَكْتَبَةً	(گیلان خرداد ۱۴۰۱)
۴۰	۱) مَلْعَبَ	۲) مَبْلَغَ	۳) مَطْبَخَ	۴) مَثْجَرَ	
۴۱	۱) مِيزَانَ	۲) فَسَاتِينَ	۳) سِرْوَالَ	۴) قَمِيصَ	
۴۲	۱) سَوْقَ	۲) بَائِعَ	۳) جَوَارَ	۴) مُشْتَرِيَ	
۴۳	۱) مَوْقِفَ	۲) السَّكِينَةَ	۳) مَنَزِلَ	۴) مَدْرِسَةَ	

د تشخیص کلمه مناسب برای جای خالی (تیپ ۱)

مُخْتَالٍ - الحِمَار - الشَّاتِم - المَطْبَعَة - مَطْعَم - ضَلَّ - مَوَاقِف - تَخْفِيز

۴۴	 مَكَانٌ لِنَشْرِ الْكُتُبِ وَ الْمَجَلَّاتِ.	(خرداد ۱۴۰۴)
۴۵	 هُوَ الَّذِي يَسُبُّ الْآخَرِينَ.	(خرداد ۱۴۰۴)
۴۶	«إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ فَخُورٍ»	
۴۷	 سَمِعْنَا صَوْتَ مِنْ خَلْفِ الْجِبَالِ وَ ذَلِكَ مِنْ أَنْكَرِ الْأَصْوَاتِ.	
۴۸	 إِنَّ رَبِّي هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ عَنْ سَبِيلِهِ.	
۴۹	 كَانَ «عَلَيَّ» مِنْ أَفْضَلِ الْأَمَاكِنِ فِي سَوْقٍ مَشْهُدٍ لِأَكْلِ الطَّعَامِ.	
۵۰	 أَرَادَتِ الْمَرْأَةُ الزَّائِرَةَ السَّعْرِ مِنْ بَائِعِ الْفَسَاتِينِ.	
۵۱	 هَذِهِ السَّيَّارَاتِ الثَّقِيلَةَ وَ الْآنَ فَارَعَتْ مِنْ آيَةِ سَيَّارَةٍ.	

ه تشخیص کلمه مناسب برای جای خالی (تیپ ۲)

۵۲	 الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ.	
۵۳	 النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.	
۵۴	 إِنَّ أَلَّ لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ.	
۵۵	 كَانَتْ الطِّفْلِ جَمِيلَةً وَ مَا رَأَيْتُ مِثْلَهَا.	
۵۶	 عَلَيْنَا بِالْإِتِّعَادِ عَنِ الْأَعْمَالِ	
۵۷	 اشْتَرَيْتُ مِنْ الْكَبِيرِ مَلَابِيسَ لِأَخِي الصَّغِيرِ.	
۵۸	 اشْتَرَيْتُ سِرْوَالًا أَرْخَصَ مِنْ ذَلِكَ	
۵۹	 زَمِيلِي نَفْسَهُ لِأَنَّهُ ذُو خُلُقٍ فِي الْمَوَاجَهَةِ مَعَ الْآخَرِينَ.	
۶۰	 تَخْتَلِفُ هَذِهِ الْمَلَابِيسُ حَسَبَ وَ صَاحِبٍ لَا يُخَفِّضُ لِلْمُشْتَرِي.	

مفهوم واژگان (تپ ۱)

9

۶۱ مکان تَهَيَّيْ النساءِ فِيهِ الْأَطْعَمَةُ لِأَهْلِهِنَّ.

○ (۱) مَطْعَم (۲) مَطْبَخ (۳) مَطْبَعَة

۶۲ وَسِيلَةٌ لَهَا كَفْتَانٍ لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ.

○ (۱) الميزان (۲) المَلْعَب (۳) الإِسْتِهْلَاك

۶۳ حَيَوَانٌ يُسْتَعْدَمُ لِلْحَمْلِ وَ الرُّكُوبِ.

○ (۱) الجِمار (۲) الذَّنْب (۳) الثَّغْلَب

۶۴ مِنْ الْأَعْمَالِ الْمَقْبُولَةِ:

○ (۱) الإعجابُ بِالنَّفْسِ (۲) سَبُّ النَّاسِ (۳) الكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ

۶۵ الْإِنْسَانُ الَّذِي لَا يَفْتَحِرُ بِنَفْسِهِ أَبَدًا.

○ (۱) المُهَان (۲) الْمُتَوَاضِع (۳) الْفَخُور

۶۶ شَرُّ النَّاسِ

○ (۱) الْمُقْتَصِد (۲) ذَوُ الْوَجْهَيْنِ (۳) التَّبَخُّثُ

۶۷ أَفْضَلُ زِينَةٍ لِلرَّجُلِ وَأَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى قَلْبِ رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.

○ (۱) حُسْنُ الْخُلُقِ (۲) سَكِينَة (۳) عُجْب

مفهوم واژگان (تپ ۲)

ز

○ الف) آلهَ لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ. (خرداد ۱۴۰۴)

○ ب) عُضْوٌ فِي الْوَجْهِ. (کرمان خرداد ۱۴۰۲)

○ ج) الْإِنْسَانُ الَّذِي يَفْتَحِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا. (داخل و خارج خرداد ۱۴۰۴، سیستان و بلوچستان خرداد ۱۴۰۲)

○ د) حَيَوَانٌ يُسْتَعْدَمُ لِلْحَمْلِ وَ الرُّكُوبِ. (ملاير خرداد ۱۴۰۲)

○ هـ) اجتناب التَّكَبُّرِ.

○ و) هُوَ شَرُّ النَّاسِ.

○ ز) مِنْ أَكْبَرِ الْمَكَاتِبِ فِي جُنُوبِ إِيْرَانِ.

۶۸ الْخَدَّ

۶۹ الْجِمار

۷۰ التَّوَاضُّع

۷۱ الْمُخْتَال

۷۲ ذُو الْوَجْهَيْنِ

۷۳ جُنْدِي سَابُور

۷۴ الْمِيزَان

کلمات مترادف

۲

بسته

قَبِيح	سَيِّء	أَكْبَر	أَعْظَم	أَحْسَن	خَيْر، أَفْضَل
بد، زشت		بزرگترین		بهترین، نیکوتر	
نَصَائِح	وَصَايَا، مَوَاعِظ	أَعْطَى	أَهْدَى	وَعَظَّ	نَصَح
پندها، نصیحت‌ها		هدیه کرد، داد، بخشید		نصیحت کرد	
جِنْس	نَوْعِيَّة	يَبُت	مَنْزِل	تَكَلَّمَ	تَحَدَّثَ
جنس		خانه		سخن گفت	
صَبْر	جِلْم	طَلَبَ	أَرَادَ	مُنْكَر	سَيِّئَة
بردباری		خواست		کار زشت و ناپسند	
وَأَجَابَت	فَرَأَضَ	تَقَضَّبَ	تَشْخِطُ	مُخْتَال	مَعْجَبٌ بِنَفْسِهِ
تكاليف		خشمگین می‌شوی		خودپسند	
أُمُور	أَعْمَال	شُكُوت	صَمْتُ	أَنْكَرَ	أَقْبَحَ
کارها		خاموشی، سُكُوت		زشت‌تر، زشت‌ترین	
عَاقِل	حَكِيم			تُعْتَبَرُ	تُعَدُّ
خردمند، فرزانه				به‌شمار می‌آید.	

بسته

۳

کلمات متضاد

خَيْر	شَر	سَاء	حَسَن	أَكْثَر	أَجْمَل
بهترین، بهتر	بدترین، بدتر	بد شد	نیکو شد	زشت‌تر، زشت‌ترین	زیباتر، زیباترین
عَدَاوَة	صَدَاقَة	المَشْرِق	المَغْرِب	أَكْبَر	أَصْغَر
دشمنی	دوستی	مشرق	مغرب	بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	کوچک‌تر، کوچک‌ترین
عَاقِل	جَاهِل	الزَّاحِمِينَ	الظَّالِمِينَ	أَوْمَرُ	إِنَّه
خردمند	نادان	رحم‌کنندگان	ستمکاران	دستور بده	بازدار
كُبْرَى	صُغْرَى	أَكْثَر	أَقَل	كَيْد	صِدْق
بزرگ‌تر	کوچک‌تر	بیشتر، بیشترین	کم‌تر، کم‌ترین	کذب	دروغ
بائع	مُشْتَرِي	أَعْظَم	أَصْغَر	كَثِير	قَلِيل
فروشنده	خریدار	بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	کوچک‌تر، کوچک‌ترین	بسیار	اندک
أَبْيَض	أَسْوَد	صَالِحَة	سَيِّئَة	نَافِعَة	ضَارَة
سفید	سیاه	شایسته	زشت	سودمند	زیان‌بار
غَالِيَة	رَخِيصَة	أَرَادَل	أَفْاضِل	شُكُوت، صَمْتُ	كَلَام
گران	ارزان	فرومايگان	شایستگان	خاموشی	سخن
أَرْحَص	أَعْلَى	مَعْرُوف، الحَسَنَة	مُنْكَر	مُتَوَاضِع	مُخْتَال
ارزان‌تر	گران‌تر	نیکو	کار زشت و ناپسند	فروتن	خودپسند
تَجَنَّب	تَقَرَّب				
دوری	نزدیکی				

الف

تشخیص کلمات مترادف و متضاد (تپ ۱)

(خرداد ۱۴۰۳)

۷۵ عَيْنُ مُتَضَادٍّ «مُتَوَاضِعٌ»: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾

مُتَوَاضِعٌ ≠

۷۶ دَعَا الرَّجُلَ الْأَزْدَلُ صَدِيقَهُ وَ تَرَكَهُ الْبَائِعُ الْأَفْضَلُ فِي مَنْتَجِرِهِ أَيْضًا.

الف) = ب) ≠

۷۷ سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ وَ أَرَادَ أَنْ يَحْفَظَهَا أَخِي الْأَصْغَرُ وَ طَلَبَ مِنِّي الْمُسَاعَدَةَ.

الف) = ب) ≠

۷۸ الصَّمْتُ ذَهَبَ وَ الْكَلَامُ فَضَّةٌ وَ الْعُجْبُ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ وَ الْقَبِيحَةُ.

الف) = ب) ≠

۷۹ رَجَاءٌ، أَعْطَنِي سِرْوَالًا أَبْيَضَ وَ قَمِيصًا أَسْوَدَ وَ أَرَادَ أَبِي لُونًا آخَرَ وَ طَلَبَ طِفْلِي ذَلِكَ اللَّوْنِ الْأَزْرَقَ.

الف) = ب) ≠

۸۰ يَا رَبَّ الْمَشْرِيقِ وَ الْمَغْرِبِ، إِغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَعْطِنَا الْحِلْمَ وَ الصَّبْرَ فِي الشَّدَائِدِ.

الف) = ب) ≠

۸۱ خَيْرُ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي وَ أَعْطَانِي خُلُقًا حَسَنًا بَعِيدًا مِنَ الْعَمَلِ السَّيِّئِ.

الف) = ب) ≠

۸۲ يَا وَلَدِي! حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ وَ عَجِّلْ فِي كَسْبِ الْفَضَائِلِ وَ ابْتَغِدْ عَنْ شَرِّ النَّاسِ.

الف) = ب) ≠

ب تشخیص کلمات مترادف و متضاد (تیپ ۲)

(خراسان رضوی خرداد ۱۴۰۱)

- ۸۳ أَحْسَن ○ أَفْضَل
۸۴ السَّيِّئَةُ ○ الْحَسَنَةُ
۸۵ الْقَبِيحَةُ ○ الْجَمِيلَةُ
۸۶ أَقَلُّ ○ أَكْثَرُ
۸۷ أَكْبَرُ ○ أَصْغَرُ
۸۸ الْأَرَاذِلُ ○ الْأَفْاضِلُ
۸۹ حَيٍّ ○ عَجَلٌ
۹۰ خَيْرٌ ○ شَرٌّ
۹۱ ضَلَّ ○ إِهْتَدَى
- ۹۲ غَالِيَةٌ ○ رَخِيصَةٌ
۹۳ سَاءٌ ○ حَسَنٌ
۹۴ السُّكُوتُ ○ الْكَلَامُ
۹۵ عَدَاوَةٌ ○ صَدَاقَةٌ
۹۶ أَرَادَ ○ طَلَبَ
۹۷ دَعَا ○ أَتْرَكَ
۹۸ أَعْمَالٌ ○ أُمُورٌ
۹۹ صَمْتُ ○ كَلَامٌ

جمع مکسر

۴

بسته

مَلَابِس	مَلَابِس	مَشَاكِل	مَشَاكِل	مَوْعِظَةٌ	مَوْاعِظُ
لباس	لباس	مشکل	مشکل	پند، اندرز	پند، اندرز
أَشْعَار	أَشْعَار	حَمِير	حَمِير	وَصِيَّة	وَصَايَا
سِغَر	سِغَر	خَر	خَر	سَفَارِش	سَفَارِش
قِيَمَت	قِيَمَت	أَحَادِيث	أَحَادِيث	قِصَّة	قِصَص
رِجَال	رِجَال	سَخَن، حَدِيث	سَخَن، حَدِيث	دَاسْتَان	دَاسْتَان
مَرَد	مَرَد	أَخ	أَخ	حِكْمَة	حِكَم
فُسْتَان	فُسْتَان	بِرَادِر	بِرَادِر	دَانَايِي	دَانَايِي
پِيَرَاهَن زَنَانَه	پِيَرَاهَن زَنَانَه	عِيَب	عِيَب	أَوْلَاد	أَوْلَاد
سِرَوَال	سِرَوَال	نَقْص، اِيْرَاد	نَقْص، اِيْرَاد	فِرْزَنْد	فِرْزَنْد
شِلْوَار	شِلْوَار	بِهَائِم	بِهَائِم	أَعْمَال	أَعْمَال
قَرَائِض	قَرَائِض	چَارِيَا	چَارِيَا	كَار	كَار
وَاجِب دِيْنِي	وَاجِب دِيْنِي	مَدْرِسَة	مَدْرِسَة	أَرَاذِل	أَرَاذِل
عِبَاد	عِبَاد	مَدْرَسَة	مَدْرَسَة	فِرْوَمايَة	فِرْوَمايَة
بَنْدَة	بَنْدَة	مَلْعَب	مَلْعَب	أَفْضَل	أَفْضَل
تَعَالِب	تَعَالِب	وَرَزْشْكَاه	وَرَزْشْكَاه	شَايِسْتَة	شَايِسْتَة
رُوبَاه	رُوبَاه	مَطْعَم	مَطْعَم	كُتُب	كُتُب
ذِنَاب	ذِنَاب	رِسْتُورَان	رِسْتُورَان	كُتَاب	كُتَاب
گِرْگ	گِرْگ	مَنْزِل	مَنْزِل	أَصْوَات	أَصْوَات
أَشْهُر	أَشْهُر	خَانَه	خَانَه	صَوْت	صَوْت
مَاه	مَاه			صَدَا	صَدَا

الف نوشتن مفرد یا جمع کلمات (تیپ ۱)

- ۱۰۰ کَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِي؟ (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲) ۱۰۶ كَانَتْ الْمَطْبَعَةُ مِنْ أَفْضَلِ الْأَمَاكِنِ لِلْعَمَلِ فِيهَا.
- ۱۰۱ ﴿إِنْ أَنْكَرَ الْأَصَوَاتِ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ﴾ ۱۰۷ فِي مَشْجَرٍ أَبِي سِرَاوِيلَ رَخِيصَةٌ وَفَسَاتِينٌ غَالِيَةٌ.
- ۱۰۲ قَرَأْتُ قِصَصًا تَارِيخِيَّةً قَبْلَ بَدَايَةِ الْعَامِ الدَّرَاسِيِّ. ۱۰۸ جَاءَ الرَّجُلُ عِنْدَ بَائِعِ الْقَلَابِيسِ وَ طَلَبَ قَمِيصًا أَضْفَر.
- ۱۰۳ هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ جَبَلَ دِمَاوَنْدِ أَغْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ؟ ۱۰۹ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
- ۱۰۴ مُحَمَّدٌ هُوَ أَخِي الْأَكْبَرُ وَ هُوَ يَعْمَلُ فِي الْمَصْنَعِ. ۱۱۰ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
- ۱۰۵ أَعْرِفْ مَطْعَمًا مَشْهُورًا فِي خُوزِسْتَانِ مِنَ الْقَدِيمِ.

ب نوشتن مفرد یا جمع کلمات (تیپ ۲)

- ۱۱۱ أَفْضَلُ «مفرد»: (تهران خرداد ۱۴۰۲) ۱۱۷ أَكْبَرُ «جمع»: (تهران خرداد ۱۴۰۱)
- ۱۱۲ مَتَاجِرُ «مفرد»: (قم خرداد ۱۴۰۲) ۱۱۸ مَوَاقِفُ «مفرد»: (قم خرداد ۱۴۰۲)
- ۱۱۳ مَطَاعِمُ «مفرد»: (بابل خرداد ۱۴۰۲) ۱۱۹ ثَغْلَبُ «جمع»: (بابل خرداد ۱۴۰۲)
- ۱۱۴ حِكْمُ «مفرد»: (فارس خرداد ۱۴۰۲) ۱۲۰ مَطْبَعَةُ «جمع»: (فارس خرداد ۱۴۰۲)
- ۱۱۵ مَوَاعِظُ «مفرد»: (تنکابن خرداد ۱۴۰۲) ۱۲۱ أَرْذَلُ «جمع»: (تنکابن خرداد ۱۴۰۲)
- ۱۱۶ مَلْعَبُ «جمع»: (آذربایجان غربی خرداد ۱۴۰۲) ۱۲۲ بَهِيمَةُ «جمع»: (آذربایجان غربی خرداد ۱۴۰۲)

ج نوشتن مفرد یا جمع کلمات (تیپ ۳)

- ۱۲۳ حِكْمُ: (۱) حَكِيم (۲) حِكْمَةٌ
- ۱۲۴ وَصَايَا: (۱) وَصِيَّة (۲) وَصِي
- ۱۲۵ مَطْعَمُ: (۱) أَطْعَمَةٌ (۲) مَطَاعِمُ
- ۱۲۶ مَكَاتِبُ: (۱) كِتَاب (۲) مَكْتَبُ

بسته ۵ انواع اسم

در این بسته انواع اسم‌های درس اول را همراه با معنی به طور کامل آورده‌ایم. از آن جایی که مطالب این بسته همهٔ سؤالات امتحانی را پوشش می‌دهد، توصیه‌مان این است که جدول زیر را حفظ کنید؛ ولی چنانچه تمایل دارید آموزش انواع اسم را ببینید به قسمت قواعد درس اول و دوم (صفحه‌های ۳۰ و ۵۶) مراجعه کنید.

اسم فاعل

- نافِعة سودمند
شایم دشنامگو
صابر شکِبا
مُتَوَاضِعُ فروتن
مُتَكَبِّرُ خودبزرگبین
- مُفَرَّصَةٌ پرستار
رَاجِمِينَ (رَاجِمِ) رحم‌کنندگان
بَائِعُ فروشنده
زَائِرَةٌ زیارت‌کننده
مُشْتَرِي خریدار
- خَالِقُ آفریننده
مُؤْمِنِينَ (مُؤْمِنِ) باایمان‌ها، مؤمنان
عَاقِلُ خردمند
جَاهِلُ نادان
سَامِعُ شنونده

اسم مفعول

- مُنْكَرٌ زشت و ناپسند
مُخْتَالُ خودپسند
مَعْيُوبُ عیب‌دار

اسم مبالغه

- فَلَاخَةٌ کشاورز

■ اسم مکان

مَكْتَب آیین	مَصْنَع کارخانه	مَكْتَبَة کتابخانه
مَلْعَب ورزشگاه	مَطْبَخ آشپزخانه	مَطْبَعَة چاپخانه
مَطْعَم رستوران	مَوْقِف ایستگاه	مَتَجَر مغازه
مَشْرِق مشرق	مَرَقِد بارگاه	مَشْهَد محلّ شهادت
مَغْرِب مغرب	مَنْزِل خانه	مَسْجِد مسجد

■ اسم تفضیل

أَكْبَر زشت‌تر، زشت‌ترین	أَزْدَل فرومایه‌تر، پست‌تر	أَوْسَط میانه‌تر، میانه‌ترین
أَحْسَن بهتر، بهترین	أَثْقَل سنگین‌تر، سنگین‌ترین	أَعْلَم آگاه‌تر، آگاه‌ترین
أَكْبَر بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	أَرْخَص ارزان‌تر، ارزان‌ترین	أَحَب محبوب‌تر، محبوب‌ترین
الْآخِرِينَ (الْآخِر) دیگران	أَبْقَى ماندگارتر، ماندگارترین	أَجْمَل زیباتر، زیباترین
أَرْحَم رحم‌کننده‌تر، رحم‌کننده‌ترین	أَنْفَع سودمندتر، سودمندترین	أَكْثَر بیش‌تر، بیش‌ترین
أَعْلَى بلندتر، بلندترین	أَفْضَل شایسته‌تر	أَقَل کم‌تر، کم‌ترین
أَحَب محبوب‌تر، محبوب‌ترین	خَيْر بهتر، بهترین	أَسْمَع شنوای‌تر، شنوای‌ترین
الكُبْرَى بزرگ‌تر	شَر بدتر، بدترین	أَعْبَد عابدتر، عابدترین
الصُّغْرَى کوچک‌تر	أَجْمَل زیباتر، زیباترین	أَصْلَح شایسته‌تر، شایسته‌ترین

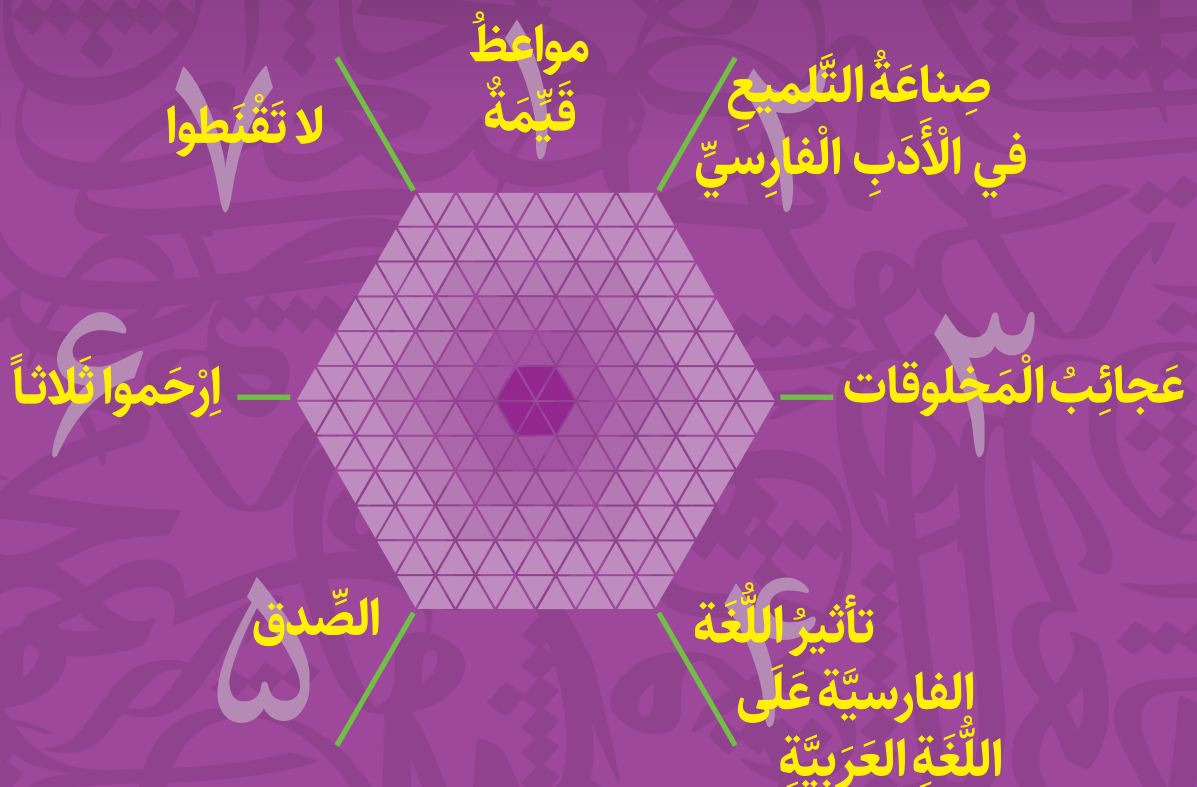
الف تشخیص انواع اسم

۱۲۷	أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى الْمَصْنَعِ.	(داخل و خارج خرداد ۱۴۰۴) ۱۳۵	عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.	(مرکزی خرداد ۱۴۰۰) ۱۲۸
۱۲۸	عَلَيْنَا أَنْ لَا تَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخِرِينَ.	(خرداد ۱۴۰۴) ۱۳۶	كَانَتْ مَكْتَبَةُ جُنْدِيٍّ سَابُورٍ فِي خَوْزِستَانِ.	(مرکزی خرداد ۱۴۰۰) ۱۲۹
۱۲۹	أُحِبُّ مِنَ الْأُمُورِ أَوْسَطَهَا.	(خرداد ۱۴۰۳) ۱۳۷	خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ وَأَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ فَائِلُهُ.	
۱۳۰	«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»	(تذکابن خرداد ۱۴۰۲) ۱۳۸	«وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»	
۱۳۱	آسيا أكبر من أوروبا.	(دی خارج ۹۷) ۱۳۹	«فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ»	
۱۳۲	شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.	۱۴۰	ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ الْقَرِيبِ فِي سَوَاقِ مَشْهَدٍ.	
۱۳۳	أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ.	(خوزستان خرداد ۱۴۰۲) ۱۴۱	يَا أَزْهَمَ الرَّاحِمِينَ، ارْحَمْنَا بِقَضَلِكِ.	
۱۳۴	لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.	(تهران خرداد ۱۴۰۱)		

ب ترجمة انواع اسم

۱۴۲	خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.	(کرمان خرداد ۱۴۰۰) ۱۴۵	أَرَادَ الْمُشْتَرِي مِنَ الْبَائِعِ التَّخْفِيفَ الْكَثِيرَ.	
۱۴۳	أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.	۱۴۶	لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.	
۱۴۴	أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ.	۱۴۷	جَبَلُ دِمَاوَنْدِ أَهْلِي جَبَلٍ فِي إِيرانِ.	

پاسخنامہ تشریحی



مَوَاعِظُ قَیْمَةُ

پاسخ درس اول

۲۹ ۱ «خَيْرُ: بهتر» / «ألف: هزار» / «شَهْر: ماه» - شب قدر بهتر از هزار ماه است.

۳۰ ۱ «السُّوق: بازار» / «فَسَاتِين: پیراهن های زنانه» / «الأَصْفَر: زرد» - از بازار بزرگ پیراهن های زنانه ای به رنگ زرد خریدم.

۳۱ ۱ سه کلمه دیگر بر رنگ دلالت دارند.

بررسی گزینه ها

- (۱) بیشتر، بیشترین ✓ (۲) زرد ✗
(۳) سفید ✗ (۴) سبز ✗

۳۲ ۳ چهار کلمه دیگر نام حیوان هستند.

بررسی گزینه ها

- (۱) روباه ✗ (۲) سگ ✗
(۳) شادمانه و با ناز و خودپسندی ✓
(۴) خر ✗ (۵) گرگ ✗

۳۳ ۲ سه کلمه دیگر اسم تفضیل اند.

بررسی گزینه ها

- (۱) محبوب تر، محبوب ترین ✗ (۲) سفید ✓
(۳) کم تر، کم ترین ✗ (۴) گران تر، گران ترین ✗

۳۴ ۳ سه کلمه دیگر بر شغل دلالت دارند.

بررسی گزینه ها

- (۱) فروشنده ✗ (۲) کشاورز ✗
(۳) با ارزش ✓ (۴) پرستار ✗

۳۵ ۴ سه کلمه دیگر اسم تفضیل اند.

بررسی گزینه ها

- (۱) سنگین تر، سنگین ترین ✗
(۲) شنواتر، شنواترین ✗
(۳) بهتر (نیکوتر)، بهترین (نیکوترین) ✗
(۴) ماه ها ✓

۳۶ ۳ سه کلمه دیگر بر رنگ دلالت دارند.

بررسی گزینه ها

- (۱) زرد ✗ (۲) آبی ✗
(۳) بیشتر، بیشترین ✓ (۴) سفید ✗

۳۷ ۳ سه کلمه دیگر اسم تفضیل اند.

بررسی گزینه ها

- (۱) نیکوتر، نیکوترین ✗ (۲) زیباتر، زیباترین ✗
(۳) قرمز ✓ (۴) شایسته تر، شایسته ترین ✗

۳۸ ۱ کلمات دیگر بر رنگ دلالت دارند.

بررسی گزینه ها

- (۱) گرمی تر، گرمی ترین ✓ (۲) سیاه، مشکی ✗
(۳) سفید ✗ (۴) زرد ✗

۱ و در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی راه مرو.

۲ ای پسرکم! نماز را به پادار.

۳ محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا، سودمندترینشان به بندگانیش است.

۴ با تکبر و ریت را از مردم برنگردان.

۵ قطعاً زشت ترین صداها بی گمان صدای خران است.

۶ لقمان حکیم پندهای ارزشمندی به پسرش تقدیم کرد.

۷ بهترین کارها میانه ترین آن ها است.

۸ و آخرت، بهتر و ماندگارتر است.

۹ و به کار نیک دستور بده و از کار زشت و ناپسند بازدار.

۱۰ بزرگ ترین عیب آن است که آنچه مانندش در توست را عیب بشماری.

۱۱ هرگاه فرومایگان فرمانروایی کنند شایستگان هلاک می شوند.

۱۲ بهترین آراستگی مرد آرامش به همراه ایمان است.

۱۳ به سوی بهترین کار بشتاب.

۱۴ بهترین برادران کسی است که عیب هایمان را به ما هدیه کند.

۱۵ همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد، آگاه تر است.

۱۶ با برادران با ایمان با [روشی] که آن نیکوترین است، گفت و گو کن.

۱۷ پس از تعطیلی کارخانه به چاپخانه رسیدم.

۱۸ قیمت آن شلوارها بر اساس جنس ها فرق می کند.

۱۹ آن مغازه همکارم است و او همچنین صاحب ورزشگاه است.

۲۰ در ترازو سنگین ترین چیز از لباس ها را قرار دادم.

۲۱ اخلاق دوستم بد شد هنگامی که دیگران از او عیب جویی کردند.

۲۲ ۳ «الشَّام: دشنام گو» / «مُخْتَال: خودپسند» / «الأَرَاؤِل: فرومایگان» -

آن مرد دشنامگو، خودپسند و او از فرومایگان است.

۲۳ ۲ «مَأْرُضِي: خشنود نکرد» / «الجُلْم: بردباری» / «الضَّمْت: سکوت» -

مؤمن پروردگارش را با (چیزی) مانند بردباری خشنود نکرد و شیطان

را با (چیزی) مانند سکوت خشمگین نکرد.

۲۴ ۱ «لَا تُصْغِرْ: با تکبر برنگردان» / «حَدَّ: روی، صورت» / «مَرَحاً:

شادمانه و با ناز و خودپسندی» - با تکبر و ریت را از مردم برنگردان و

در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی راه مرو.

۲۵ ۱ «المُخْتَال: خودپسند» / «[كَانَ] قَدْ سَبَّ: دشنام داده بود» /

«أَنْكَرَ: زشت ترین» - مرد خودپسند همسایه اش را به زشت ترین

کلمه ها دشنام داده بود.

۲۶ ۱ «سُئِلَ: پرسیده شده» / «المَطْبَعَة: چاپخانه» - از صاحب

چاپخانه پرسیده شد: فروشنده کتاب های تاریخی کیست؟

۲۷ ۱ «الأَسْعَار: قیمت ها» / «خَمْسَةٌ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا: هفتاد و پنج هزار» -

قیمت ها گران است از هفتاد و پنج هزار شروع می شود.

۲۸ ۲ «تَخْفِيفُ: تخفیف» / «المُتَجَر: مغازه» - مشتری در مغازه تخفیف

قیمت را خواست.

۳۹ کلمات دیگر براسم مکان دلالت دارند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) کارخانه ✗ (۲) چاپخانه ✗
(۳) معلم ✓ (۴) کتابخانه ✗

۴۰ سه کلمه دیگر براسم مکان اند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ورزشگاه ✗ (۲) مبلغ ✓
(۳) آشپزخانه ✗ (۴) مغازه ✗

۴۱ سه کلمه دیگر برلباس دلالت دارند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ترازو ✓ (۲) پیراهن‌های زنانه ✗
(۳) شلوار ✗ (۴) پیراهن ✗

۴۲ هر سه کلمه در یک ردیف معنایی اند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) بازار ✗ (۲) فروشنده ✗
(۳) گفت‌وگو ✓ (۴) خریدار ✗

۴۳ سه کلمه دیگر براسم مکان هستند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ایستگاه ✗ (۲) آرامش ✓
(۳) خانه ✗ (۴) مدرسه ✗

۴۴ المَطْبَعَة ← چاپخانه جایی است برای نشر کتاب‌ها و مجله‌ها.

۴۵ الشَّاتِم ← دشنام‌گو همان کسی است که دیگران را دشنام می‌دهد.

۴۶ مُخْتَال ← قطعاً خداوند هر خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.

۴۷ الحِمَار ← صدای خُران را از پشت کوه‌ها شنیدیم و آن از زشت‌ترین صداهاست.

۴۸ ضَلَّ ← قطعاً پروردگار آگاه‌تر است به کسی که از راهش گمراه شد.

۴۹ مَطْعَم ← غذاخوری علی از بهترین مکان‌ها در بازار مشهد برای خوردن غذاست.

۵۰ التَّخْفِيف ← خانم زائر از فروشنده پیران‌های زنانه، تخفیف قیمت را خواست.

۵۱ مَوَاقِف ← این ایستگاه‌های ماشین‌های سنگین است و اکنون خالی از هر خودرویی است.

۵۲ ۱ برترین کارها به دست آوردن از [راه] حلال است.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) برترین ✓ (۲) بدترین ✗ (۳) زشت‌ترین ✗

۵۳ ۱ داناترین (آگاه‌ترین) مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) داناترین ✓ (۲) می‌داند ✗ (۳) خواهد دانست ✗

۵۴ ۳ همانا ترازو وسیله‌ای برای شناخت وزن اشیا است.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) کلید ✗ (۲) چراغ ✗ (۳) ترازو ✓

۵۵ ۲ چهره کودک زیبا بود و ماندنش ندیده بودم.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ماه ✗ (۲) چهره ✓ (۳) ستون ✗

۵۶ ۱ باید از کارهای زشت دوری کنیم.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) زشت ✓ (۲) نیکو ✗ (۳) شایسته ✗

۵۷ ۳ از بازار بزرگ لباس‌هایی برای برادر کوچکم خریدم.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) میانه‌رو ✗ (۲) بالاتر ✗ (۳) بازار ✓

۵۸ ۱ شلواری ارزان‌تر از آن مغازه خریدم.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) مغازه ✓ (۲) رستوران ✗ (۳) ورزشگاه ✗

۵۹ ۳ همکارم خودش را عذاب داد زیرا او صاحب اخلاقی بد در ارتباط با دیگران است.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) خوبی کرد - ارزان ✗

- (۲) بد کرد - بزرگ ✗

- (۳) عذاب داد - بد ✓

۶۰ ۳ این لباس‌ها بر اساس جنس‌ها فرق دارند و صاحب مغازه به مشتری تخفیف نمی‌دهد.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) تخفیف دادن - شلوارها ✗

- (۲) قیمت‌ها - فروشنده ✗

- (۳) جنس‌ها - مغازه ✓

۶۱ ۲ جایی است که خانم‌ها در آن برای خانواده‌شان، غذاها را آماده می‌کنند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) غذاخوری ✗ (۲) آشپزخانه ✓ (۳) چاپخانه ✗

۶۲ ۱ وسیله‌ای که دو کفه دارد برای شناخت وزن اشیا.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ترازو ✓ (۲) ورزشگاه ✗ (۳) مصرف ✗

۶۳ ۱ حیوانی است که برای باربری و سوارشدن، به کار گرفته می‌شود.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) خر ✓ (۲) گرگ ✗ (۳) روباه ✗

۶۴ ۳ از کارهای مورد قبول.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) خودپسندی ✗

- (۲) دشنام مردم ✗

- (۳) به‌دست آوردن از [راه] حلال ✓

۶۵ ۲ انسانی که هرگز به خودش افتخار نمی‌کند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) خوارشده ✗ (۲) فروتن ✓ (۳) فخرفروش ✗

۶۶ ۲ بدترین مردم

بررسی گزینه‌ها

۱) صرفه جو ✗ ۲) دورو ✓ ۳) فخرفروشی ✗

۶۷ ۲ بهترین آراستگی برای مرد است و خداوند آن را بر قلب رسولش و بر مؤمنان نازل کرده است.

۱) خوش اخلاقی ✗ ۲) آرامش ✓ ۳) خودپسندی ✗

۶۸ گونه، چهره ← ب) عضوی است در صورت

۶۹ خر ← د) حیوانی است که برای باربری و سوار شدن به کار گرفته می‌شود.

۷۰ فروتنی ← ه) دوری از خودبزرگ بینی

۷۱ خودپسند ← ج) انسانی که بسیار به خودش افتخار می‌کند.

۷۲ دورو ← و) او بدترین مردم است.

۷۳ جندی شاپور ← ز) از بزرگ‌ترین کتابخانه‌ها در جنوب ایران است.

۷۴ ترازو ← الف) وسیله‌ای برای شناخت وزن اشیاء.

۷۵ «قطعاً خداوند هر خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.»

مُتَوَاضِع (فروتن) ✗ مُخْتَال (خودپسند)

۷۶ مرد فرومایه دوستش را ترک کرد و فروشنده شایسته نیز او را در مغازه‌اش رها کرد.

الف) دَعَا = تَرَكَ (رها کرد، ترک کرد)

ب) الْأَرْدَل (پست‌تر، فرومایه) ✗ الْأَفْضَل (برتر)

۷۷ سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است و برادر کوچک‌ترم خواست آن را حفظ کند و از من یاری خواست.

الف) أَرَادَ = طَلَبَ (خواست)

ب) الْأَضْعَر (کوچک‌تر) ✗ أَكْبَر (بزرگ‌تر)

۷۸ سکوت تلاست و سخن گفتن نقره است و خودپسندی از اخلاق‌های بد و زشت است.

الف) السَّيِّئَةُ = الْقَبِيحَةُ (بد، زشت)

ب) الصَّمْتُ (خاموشی) ✗ الْكَلَامُ (سخن گفتن)

۷۹ لطفاً به من شلواری سفید و پیراهنی مشکی بده و پدرم رنگی دیگر خواست و کودکم آن رنگ آبی را خواست.

الف) أَرَادَ = طَلَبَ (خواست)

ب) أَبْيَضَ (سفید) ✗ أَسْوَدَ (مشکی)

۸۰ پروردگار مشرق و مغرب، ما را بیامرز و به ما رحم کن و به ما بردباری و صبر در سختی‌ها عطا فرما.

الف) الْجَلَمُ = الصَّبْر (بردباری، صبر)

ب) الْمَشْرِقُ (مشرق) ✗ الْمَغْرِبُ (مغرب)

۸۱ بهترین برادران من کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه دهد و به من اخلاقی نیکو به دور از کار زشت بدهد.

الف) أَهْدَى = أَعْطَى (هدیه داد، بخشید)

ب) حَسَنًا (خوب، نیکو) ✗ السَّيِّئُ (بد)

۸۲ ای فرزندانم، به سوی بهترین کار بشتاب و در به دست آوردن فضیلت‌ها شتاب کن و از بدترین مردم دوری کن.

الف) حَيَّ = عَجَّلَ (بشتاب)

ب) خَيْرَ (بهترین) ✗ شَرَّ (بدترین)

۸۳ نیکوترین = بهترین

۸۴ زشت، بد ✗ خوبی، نیک

۸۵ زشت ✗ زیبا

۸۶ کم‌تر ✗ بیشتر

۸۷ بزرگ‌تر ✗ کوچک‌تر

۸۸ فرومایگان ✗ شایستگان

۸۹ بشتاب = عجله کن

۹۰ بهتر، بهترین، خوب، خوبی ✗ بدتر، بدترین، بد، بدی

۹۱ همراه شد ✗ هدایت شد

۹۲ گران ✗ ارزان

۹۳ بد شد ✗ نیکو شد

۹۴ سکوت، خاموشی ✗ سخن گفتن

۹۵ دشمنی ✗ دوستی

۹۶ خواست = خواست

۹۷ ترک کن = ترک کن

۹۸ کارها = کارها

۹۹ خاموشی ✗ سخن

۱۰۰ بیغر جمع ← أشعار (قیمت‌ها)

۱۰۱ الخمير مفرد ← الجمار (خر)

۱۰۲ قِصَصاً مفرد ← قِصَّة (داستان)

۱۰۳ جَبَل جمع ← جبال (کوه‌ها)

۱۰۴ أَخ جمع ← إِخْوَة، إِخْوَان (برادران) / المَصْنَع جمع ← المصانع (کارخانه‌ها)

۱۰۵ مَطْعَمًا جمع ← مَطَاعِم (غذاخوری‌ها)

۱۰۶ أَفْضَل جمع ← أَفْضَل (شایستگان)

۱۰۷ مَتَجَر جمع ← مَتَاجِر (مغازه‌ها) / سَرَاوِيل مفرد ← سِرْوَال (شلوار) /

فَسَاتِين مفرد ← فُستان (پیراهن زنانه)

۱۰۸ الرَّجُل جمع ← الرَّجَال (مردان) / المَلَائِس مفرد ← الملبس (لباس)

۱۰۹ عِبَاد مفرد ← عَبْد (بنده)

۱۱۰ الْأُمُور مفرد ← الْأَمْر (مسئله، کار)

۱۱۱ أَفْضَل مفرد ← أَفْضَل (شایسته)

۱۱۲ مَتَجَر مفرد ← مَتَجَر (مغازه)

۱۱۳ مَطْعَم مفرد ← مَطْعَم (غذاخوری)

۱۱۴ حِكْم مفرد ← حِكْمَة (دانایی، دانش)

۱۱۵ مَوَاعِظ مفرد ← مَوْعِظَة (پند، اندرز)

۱۱۶ مَلْعَب جمع ← مَلَاعِب (ورزشگاه‌ها)

۱۱۷ أَكْبَر جمع ← أَكْبَر (بزرگان)

۱۱۸ مَوَاقِف مفرد ← مَوْقِف (ایستگاه)

۱۱۹ ثَعْلَب جمع ← ثَعَالِب (روباه‌ها)

۱۲۰ مَطْبَعَة جمع ← مَطَاعِب (چاپخانه‌ها)

- ۱۴۹ همانا خداوند کسی را که بر نماز در اول وقت آن محافظت می‌کند، دوست می‌دارد.
- ۱۵۰ ما نباید بر دیگران کبر بورزیم.
- ۱۵۱ با تکبر رویت را از مردم برگردان و در زمین با شادمانی و ناز و خودپسندی راه مرو.
- ۱۵۲ ای پسرکم! نماز را برپادار و به کار نیک دستور بده و از کار زشت و ناپسند باز مدار.
- ۱۵۳ و صدايت را پايين بياور زيرا زشت‌ترین صداها بی‌گمان صدای خران است.
- ۱۵۴ تو نباید صدايت را بالای صدای پدر و مادر بالا ببری.
- ۱۵۵ بی‌گمان لقمان حکیم با داود پیامبر خدا هم‌دوره بوده است و به حکیم معروف بوده است.
- ۱۵۶ سفارش‌های لقمان یکی از داستان‌های قرآنی به شمار می‌آید که به حکمت اشاره می‌کند.
- ۱۵۷ خداوند به لقمان دانایی بخشیده است و او بنده‌ای حبشی بود.
- ۱۵۸ گفته شده است که لقمان چوپان بود ولی خداوند والا مرتبه نعمت حکمت را به او داد.
- ۱۵۹ ای پسرکم به خدا شرک نورز، قطعاً شرک ظلمی بزرگ است.
- ۱۶۰ ۲ «خَيْرُ أَصْدِقَائِكَ: بهترین دوستانت» / «لَا يَمُشِي: راه نمی‌رود» / «مَرَحاً: شادمانه و با ناز و خودپسندی»
- ۱۶۱ ۱ «آتينا: دادیم» / «حِكْمَةً: دانایی»
- ۱۶۲ ۲ «كَانَ يَنْهَى: باز می‌داشت» / «وُلْدَهُ: فرزندش» / «التَّبَخُّثُ: فخرفروشی»
- ۱۶۳ ۱ «لَا تَصْعُرْ: با تکبر برگردان» / «حَدِّكَ: رویت» / «لَا تَمْشِي: راه نرو» / «مَرَحاً: شادمانه و با ناز و خودپسندی»
- ۱۶۴ ۲ «أَنْكَرَ: زشت‌ترین» / «الْأَصْوَات: صداها» / «أَلْ: قطعاً» / «الْحَمِير: خران»
- ۱۶۵ با تکبر برگردان (: لَا تَصْعُرْ) / شادمانه و با ناز و خودپسندی (: مَرَحاً)
- ۱۶۶ راه رفتن (: مَشِيكَ) / پایین بیاور (: اغْضُضْ) / زشت‌ترین (: أَنْكَر) / خران (: الْحَمِير)
- ۱۶۷ دوری (: تَجَنَّبْ) / [حالت] سیری (: شَبَعَ)
- ۱۶۸ اندرزها (: الْمَوَاعِظُ) / به شمار می‌آید (: تُعَدُّ)
- ترجمه متن** همانا خداوند دوست می‌دارد کسی را که بر نماز در اول وقتش نگهداری می‌کند و ما باید به کارهای شایسته مشتاق باشیم. همانا خداوند هر خودپسندی را دوست ندارد. بنابراین ما نباید صداهايمان را بالای صدای مخاطب بالا ببریم. خداوند سخن کسی را که بدون دلیل منطقی صدایش را بالا می‌برد به صدای خرتشیه کرده است.
- ۱۶۹ آیا بر ما واجب است که صدایمان را پایین بیاوریم؟ نَعَمْ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَرْفَعُ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ. (بله، ما نباید صداهايمان را بالای صدای مخاطب بالا ببریم.)
- ۱۷۰ خداوند کدام عمل را دوست دارد؟ يُحِبُّ اللَّهُ مُحَافَظَةَ الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا. (خداوند نگهداری نماز در وقتش را دوست می‌دارد.)

- ۱۲۱ أَرَادَ **جمع** → أَرَادِل (فرومایگان)
- ۱۲۲ بَهِيمَةً **جمع** → بَهَائِم (چارپایان)
- ۱۲۳ ۲ **بررسی گزینه‌ها**
- ۱ حَكِيم (دانشمند) ✗
- ۲ حَكَم **مفرد** → حَكَمَةً (دانایی، دانش) ✓
- ۱۲۴ ۱ **بررسی گزینه‌ها**
- ۱ وَصَايَا **مفرد** → وَصِيَّة (توصیه، پند، اندرز) ✓
- ۲ وَصِي: جانشین ✗
- ۱۲۵ ۲ **بررسی گزینه‌ها**
- ۱ (أَطْعَمَهُ: غذاها) ✗
- ۲ مَطْعَم **جمع** → مَطَاعِم (غذاخوری‌ها) ✓
- ۱۲۶ ۲ **بررسی گزینه‌ها**
- ۱ (كِتَاب: کتاب) ✗
- ۲ مَكَاتِب **مفرد** → مَكْتَب (جای تعلیم دانش) ✓
- ۱۲۷ «مُضَنَع» برون «مَفْعَل» → اسم المكان
- ۱۲۸ «الْآخِرِينَ» **مفرد** → «الْآخِر» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۲۹ «أَوْسَط» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۰ «خَيْر» به معنای «بهترین / بهتر» اسم تفضیل است.
- ۱۳۱ «أكبر» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۲ «سَرٌّ» به معنای بدترین → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۳ «أَفْضَل» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۴ «أَنْقَل» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۵ «العَاقِل، الجاهل» برون «فَاعِل» → اسم الفاعِل
- ۱۳۶ «مَكْتَبَةٌ» برون «مَفْعَلَةٌ» → اسم المكان
- ۱۳۷ «خَيْر» به معنای «بهتر» → اسم التَّفْضِيل / «فَاعِل، قائل» برون «فَاعِل» → اسم الفاعِل / «أَجْمَل» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۸ «الْآخِرَةُ» برون «فَاعِلَةٌ» → اسم الفاعِل / خَيْر → به معنای «بهتر» → اسم التَّفْضِيل / «أَبْقَى» برون «أَفْعَى» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۹ «الْمُؤْمِنِينَ» **مفرد** → «الْمُؤْمِن» (مُ) → اسم الفاعِل
- ۱۴۰ «الْمُتَجَرِّ، مُشْهَد» برون «مَفْعَل» → اسم المكان
- ۱۴۱ «أَزْجَم» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل / «الزَّاجِمِينَ» **مفرد** → «الزَّاجِم» برون «فَاعِل» → اسم الفاعِل
- ۱۴۲ بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.
- ۱۴۳ بزرگ‌ترین عیب آن است که آنچه مانند آن در توست را عیب بگیری.
- ۱۴۴ بهترین کارها به دست آوردن از [راه] حلال است.
- ۱۴۵ خریدار از فروشنده تخفیف زیاد خواست.
- ۱۴۶ در ترازوی [اعمال] چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.
- ۱۴۷ کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.
- ۱۴۸ و در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی راه نرو زیرا خداوند هر خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.